



چالش‌های اساسی حکمرانی جهانی در نبود دولت جهانی حق بنیاد*

محمد رضا امامزاده^{۱*} - دکتر محمدشریف شاهی^{۲***}
دکتر امیرمقامی^{۳****} - دکتر سیدمحمدصادق احمدی^{۴*****}



This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

چالش‌های فراملی عصر حاضر اعم از مسائل صلح و امنیت، توسعه و رفاه، حقوق بشر، محیط زیست، مهاجرت، تروریسم، سلامت و.. غالباً به دلیل مشکلات ساختاری و هنجاری نظام حکمرانی جهانی حل نشده باقی مانده و با مصادیقی مانند تکثر و تعدد نهادها، همکاری ضعیف و عملکرد ناهماهنگ آنها، ناکافی بودن ترتیبات سنتی برای مدیریت مسائل در عرصه‌ی فراملی، ناپایداری در توازن قوا، نبود جامعیت در کارگزاری حکمرانی جهانی، غایت آناشیک و بی نظمی فزاینده، سوگیری لیبرال، تضادهای هنجاری در حوزه‌ی اجرای حقوق بشر، مشروعیت و نقص دمکراتیک، انطباق و بازماندگی از تحولات جهانی و.. مورد شناسایی قرار گرفته است که دولت جهانی حق بنیاد به دلیل خصیصه‌های منحصر به فرد خود، توانایی انسجام‌بخشی، مدیریت هماهنگ و ایجاد سیستم همکاری سلسله‌مراتبی در بین کنش‌گران این حوزه را داشته و جامعیت، وحدت ساختار و رویه‌ها را ایجاد کرده و بر همین اساس توانایی مدیریت و حل چالش‌های فوق را داراست. در مقاله پیش رو پرسش اصلی آن است که حکمرانی جهانی در وضعیت فعلی و در نبود دولت جهانی حق بنیاد دچار چه چالش‌های اساسی شده است؟ در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی با هدف شناسایی ابعاد حکمرانی نامطلوب جهانی لزوم استقرار دولت جهانی حق بنیاد برای رفع چالش‌های این حکمرانی مورد بحث قرار می‌گیرد. نتیجه‌ی پژوهش، گویای چالش‌های ساختاری، هنجاری و.. حکمرانی جهانی است که استقرار یک دولت فراگیر را برای رفع این چالش‌های اساسی اجتناب‌ناپذیر می‌کند.

کلیدواژگان: حکمرانی جهانی، دولت جهانی، جامع جهانی، ملل متحد، سازمان‌های بین‌المللی

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری حقوق عمومی محمدرضا امامزاده‌ئی با راهنمایی دکتر محمدشریف شاهی است.

** دانشجوی دکتری حقوق عمومی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

*** نویسنده مسئول، استادیار گروه حقوق عمومی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

ایمیل: dr.shahi@khuisf.ac.ir

**** استادیار گروه حقوق، دانشگاه اصفهان.

***** استادیار گروه حقوق عمومی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

مقدمه

دولت-ملت مدرن برآمده از معاهدات وستفالیایی، مبتنی بر ایده‌ی سرزمین ثابت و حاکمیت مستقل ملی شکل گرفته و ذاتاً به این معناست که یک دولت می‌تواند در داخل مرزهای سرزمینی خود به نحو مقتضی اعمال حاکمیت کند که همین موضوع، درگیری یا اختلاف بر سر مرز یا منافع را بین دولت-ملت‌ها در پی داشته است. برای جلوگیری از جنگ و خودسری‌ها، ترویج حکمرانی خوب در همه‌جا و تحت کنترل درآوردن کشورها؛ ضرورت حکمرانی جهانی مطرح شده و این ایده با ایجاد جامعه‌ی ملل و سپس سازمان ملل متحد عملیاتی و در بستر زمان تکامل یافته است. ایجاد تعامل مثبت بین دولت‌های ملی، رگولاتوری و تنظیم‌کنندگی جهانی، تاسیس نهادهای بین‌المللی و وضع سیاست‌ها و اصلاح امور در جهان در برخی حوزه‌های تخصصی مانند تجارت و سلامت جهانی و.. از ارزش‌های غیرقابل انکار حکمرانی جهانی در حال حاضر است ولی بحران‌های اخیر در جهان مانند حمله‌ی روسیه به اوکراین و احتمال حملات اتمی متعاقب آن، همه‌گیری کووید ۱۹، بحران انرژی و غذا، در کنار رشد فزاینده‌ی خطر جهانی تغییرات اقلیمی، رکود اقتصادی و انحصار ثروت در یک جغرافیایی معین جهان، تهدیدات روزافزون سایبری، تروریسم، سلاح‌های کشتار جمعی و.. نظام حکمرانی جهانی را دچار چالش‌های جدی کرده و ناکارآمدی این نوع حکمرانی را بیش از پیش جلوه‌گر ساخته است.

حکمرانی جهانی اگرچه ضروری و تقویت آن مورد تأکید غالب اندیشمندان بوده ولی به دلیل وجود چالش‌های جدی جهانی، اصلاح این نظام حکمرانی از طریق اصلاحات عملی در نظام حکمرانی فعلی برای ایجاد نهادهای بهتر جهانی، ایجاد یا توسعه نهادهای جایگزین و نهایتاً تحقق حکمرانی مطلوب جهانی برای بهبود وضعیت فعلی ضروری به نظر می‌رسد.

نهادهای، شیوه‌ها و ابتکارات رسمی و غیررسمی - که با هم «حکمرانی جهانی» را شکل می‌دهند- با میزان بیشتری از تمرکز، هماهنگی، پیش‌بینی‌پذیری، ثبات، نظم و.. توانایی حل مسائل فرامرزی را داشته و می‌توانند در ادامه ویژگی‌های یک دولت جهانی را پیدا کرده تا در حل و فصل بسیاری از مشکلات جهانی فعلی و ارائه‌ی راه‌حل‌های موجود و محتمل، کارا باشند.

در این مقاله بر آنیم با یک رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، به این سوال پاسخ دهیم که حکمرانی جهانی در عصر کنونی و در نبود دولت جهانی با چه چالش‌های اساسی مواجه است؟ فرضیه این پژوهش حکمرانی نامطلوب جهانی بنا به دلایل ساختاری- نهادی و هنجاری- سیاسی و.. است و هدف این پژوهش ضمن شناسایی چالش‌های اساسی حکمرانی جهانی، اثبات ضرورت استقرار دولت جهانی حق‌بنیاد (اتحاد بشریت تحت یک قدرت سیاسی واحد، مشروع و مقید به هنجارهای حقوق بشری) برای مدیریت و نهایتاً رفع این چالش‌هاست.

۱- پیشینه پژوهش

در رابطه با حکمرانی جهانی و نهادهای ایفاکننده‌ی این نقش کتب و مقالات متعددی به چاپ رسیده است که بعضاً با نگاه نقادانه مشکلات و چالش‌های این حکمرانی مورد بحث و بررسی قرار گرفته ولی عناوین پیشنهادی برای رفع این حکمرانی نامطلوب، بیشتر محافظه‌کارانه و حول تقویت و ارتقای همین مدل از حکمرانی بوده و نسخه به نظر رادیکال دولت جهانی به عنوان یک دولت مقتدر، فراگیر و توانا برای مدیریت این مسئله‌ها کم‌تر مورد بحث بوده و نوآوری این پژوهش نیز نسبت به سایر پژوهش‌ها بر دو مینا استوار است. در وهله اول جمع‌آوری عناوین عمده‌ی چالش‌های حکمرانی جهانی و دسته‌بندی آن و در مرحله‌ی بعد طرح قابلیت‌های دولت جهانی با وصف حق‌بنیاد بودن برای حل بهتر این مسئله‌های جهانی است.

در مقاله‌ی «حکمرانی جهانی یا دولت جهانی؟ بررسی آنا‌رشی در مقابل سلسله‌مراتب جهانی، جامعه مدنی و سازمان‌های بین‌المللی» (Grace Purvis, 2022: 45) ضمن تشریح تفاوت‌های حکمرانی جهانی و دولت جهانی وضعیت آنا‌رشی دولت - ملتی تبیین و سیستم جهانی بدون سلسله‌مراتب و مشکلات مترتب بر آن توصیف و در نهایت وجود یک دولت جهانی به جای سیستم حکمرانی جهانی پیشنهاد می‌شود. این پژوهش دو مقوله اساسی را در ارتباط با یکدیگر به‌طور مطلوب تحلیل نموده ولی در حوزه‌ی چالش‌های حکمرانی جهانی مباحث به صورت جامع طرح نشده است.

در کتاب «حکمرانی جهانی و ظهور نهادهای جهانی در قرن ۲۱» (Acharya, A. Plesch, D 2020: 546) با تحلیل زیرساخت‌های نهادی مرتبط با سازمان ملل متحد (به عنوان پیشران حکمرانی جهانی) و نقدهای وارد بر کارکرد و سازماندهی آن، برای دستیابی به حکمرانی مؤثرتر در سطوح مختلف و ایجاد یک تعادل جدید در سطح جامعه‌ی جهانی، اصلاح منشور سازمان ملل را ضروری دانسته و خواستار جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت مرتبط با نظام فعلی بین‌المللی بر پایه‌ی یک نظم مبتنی بر قانون اساسی جهانی و درک تحولات حوزه‌ی حکمرانی بین‌المللی شده است. تحلیل همه‌جانبه و تفصیلی چالش‌های مرتبط با حکمرانی جهانی و ارائه مکانیسم‌های قابل اجرا از امتیازهای این کتاب محسوب می‌شود.

در پژوهش «حکمرانی جهانی: تحلیل مفهومی و چالش‌های عملیاتی» (Mamta Kohli, 2022: 4) ضمن تحلیل و تبیین مفهوم حکمرانی جهانی و ردیابی تحولات تاریخی آن، به تشدید مشکلات جهانی در دنیای کنونی اشاره و بازنگری نظم جهانی ضروری دانسته شده است. نتیجه‌ی این پژوهش گویای تضعیف روزافزون مفهوم حکمرانی جهانی در مواجهه با چالش‌های متعدد بوده و استقرار دولت جهانی برای حفظ نوع بشر در آینده اجتناب‌ناپذیر دانسته شده است. تحلیل روند جدید حکمرانی جهانی برای ارتقای عملکرد و مطلوبیت در حکمرانی و تضمین آینده‌ی بهتر برای

بشریت، تعامل با نهادهای مختلف برای حل مسائل و مشکلات و تأکید بر نقش بازیگران غیردولتی و به رسمیت شناختن آن برای رفع چالش‌های حکمرانی از نکات قابل توجه این مقاله است و نقطه ضعف آن عدم توجیه نظری و عملی دولت جهانی است.

در مقاله «آیا حکمرانی جهانی در حال فروپاشی است؟ شورش علیه جهانی‌شدن لیبرال» (Adrian pobst, 2019: 19) تشریح شده که نظام حکمرانی جهانی بر مبنای نظم لیبرال و متکی بر سازمان‌های چندجانبه تحت سلطه‌ی غرب به‌طور فزاینده‌ای با مفاهیم غیرلیبرالی چندقطبی و تنوع تمدنی قدرت‌های غیرغربی در تضاد است. نویسنده ضمن اذعان به دوام نهادهای حکمرانی جهانی در آینده از اضمحلال پنج نیروی بنیادی این حکمرانی شامل سرمایه‌داری، دولت‌گرایی، فناوری، لیبرالیسم و جهانی‌شدن فرهنگ سیاسی و ارزش‌های اساسی وابسته به آن به مرور زمان خبر داده است. به زعم نویسنده حکمرانی جهانی لیبرال در شرایط فعلی به سمت بی‌نظمی فزاینده در حرکت بوده و علیرغم اینکه انتظار از حکمرانی جهانی یک سیستم همکاری فراگیر برای رسیدگی به مشکلات فراملی بوده ولی این حکمرانی، فی‌الحال جهت حفظ منافع قدرتهای بزرگ غربی در حال اعمال است. مشکلات مبرم مانند ناعدالتی اقتصادی، نابسامانی اجتماعی و ویرانی اکولوژیکی و.. چالش‌های حل نشده‌ی حکمرانی جهانی لیبرال بوده که واکنش فزاینده علیه جهانی‌سازی نئولیبرالی را در پی داشته است. اشاره به نقاط ضعف حکمرانی جهانی غرب‌گرا از امتیازات این مقاله بوده و تک بعدی بودن بحث از جهت نقد نظم لیبرالی از محدودیت‌های پژوهش است.

در کتاب «نظریه حکمرانی جهانی: اقتدار، مشروعیت و رقابت» (Michael Zürn, 2018: 336) یک نظریه جدید عمده از حکمرانی جهانی ارائه و حکمرانی جهانی در یک ساختار هنجاری و نهادی تحلیل شده که سلسله‌مراتب و نابرابری‌های قدرت حاکم بر آن باعث ایجاد رقابت، مقاومت و مبارزات توزیعی شده است. لزوم بازسازی حکمرانی جهانی، رفع مشکل مشروعیت این نظام در یک محیط مشروطه خواهانه، ارائه بینش‌ها و شواهد در حوزه‌ی‌های مختلف حکمرانی جهانی و.. مهم‌ترین گزاره‌های مثبت این کتاب و نپرداختن به یک نظریه برای وضعیت پسا حکمرانی جهانی از نقاط ضعف پژوهش محسوب می‌شود.

۲- چارچوب مفهومی و نظری

حکمرانی جهانی غالباً دچار یک آشفتگی مفهومی بوده و از زوایای مختلف به صورت متفاوت و بعضاً حتی متناقض بحث شده است. از یک سو فهم دایره‌ی معنایی آن مستلزم تمایز بین «حکمرانی» و «حکومت» است. اگرچه «هر دو اصطلاح به نظامی از قواعد اشاره دارند؛ اما مفهوم حکومت گویای فعالیت‌هایی است که تحت حمایت اقتدار رسمی برای تضمین اجرای سیاست‌ها

¹. Global Governance

و رعایت قانون هستند؛ درحالی که حکمرانی عبارت است از: «ظرفیت انجام کارها بدون صلاحیت قانونی برای ایجاب انجام آنها» (حیدری فرد، ۱۳۹۶: ۱۵۲). (Haidari Fard, 2016: 152) در یک نگاه دیگر حکمرانی جهانی مجموعه‌ای از قوانین بین‌المللی تعریف شده که توسط کشورها در معاهداتی که امضا می‌کنند مورد توافق قرار گرفته و سازمان‌های بین‌المللی بر اساس همین قوانین ایجاد شده و این قوانین تعیین می‌کنند که آنها در حکمرانی چه اختیارات و چه نقشی دارند. در حال حاضر در اکثر گفتمان‌های دانشگاهی رایج، نظام حکمرانی جهانی به مدیریت امور جهانی توسط سازمان‌های بین‌المللی و در قالب هنجارها، قوانین و.. اطلاق می‌شود. بسیاری از محققین اتفاق نظر دارند که در حال حاضر دولت جهانی وجود ندارد ولی عموماً حکمرانی جهانی را تحت عنوان حکومت بدون دولت مورد شناسایی قرار داده‌اند (Purvis, 2022: 2-5).

هسته‌ی مفهومی حکمرانی جهانی هم‌چنین به تعامل جهانی در همه‌ی زمینه‌ها یا تعامل نامحدود دولت‌ها بر اساس منافع مشترک و تنظیم اقدام مشترک برای حل مشکلات جمعی جهانی یا رژیم‌های نظارتی بین‌المللی به عنوان بخش مهمی از سیاست بین‌دولتی برای افزایش نرخ انطباق اطلاعاتی نیز تعریف شده است. در تحلیل رئالیستی، حکمرانی جهانی یک خانه‌ی بین‌راهی از هرج و مرج بین‌المللی تا یک دولت جهانی توصیف شده است. به تعبیر سازمان بهداشت جهانی، حاکمیت جهانی روشی است که در آن امور جهانی با شکل‌هایی از حکمرانی اداره می‌شود که اساساً به دولت‌ها متصل یا محدود نشده‌اند (اگرچه ممکن است شامل آنها شود)، مشکلات را به‌عنوان ابعاد فراملی یا جهانی تشخیص می‌دهند یا می‌سازند، و خواسته‌ها، چارچوب‌های دانش، فناوری‌ها و زیرساخت‌ها را برای سیاست‌ها ایجاد می‌کنند و مداخلاتی دارند که از مرزها و مقیاس‌ها عبور می‌کند. برخی دیگر نیز حکمرانی جهانی را نه یک پروژه، اندیشه، فرایند، عملکرد یا وضعیت؛ بلکه یک ساختار سازنده و یک سیستم غیرقطبی دانسته‌اند که کل جهان عرصه‌ی عملکرد آن بوده و یک تعامل جهانی در همه‌ی زمینه‌ها اعم از مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، توسعه‌ی و حقوق بشری و.. است.

۳- تاریخچه‌ی

مفهوم حکمرانی جهانی از جهت نظری در یونان باستان و از دولت‌شهرها سرچشمه گرفته ولی از نظر عملی، تأسیس جامعه‌ی ملل اولین گام در زمینه‌ی حکمرانی جهانی است. بعد از آن فعالیت‌های سازمان ملل با رسالت برقراری صلح و امنیت جهانی بالاخص در رابطه با پیشگیری از جنگ و کنترل وضعیت در زمان جنگ، تصویب کنوانسیون علیه نسل‌کشی، دادگاه‌های جنایتی بین‌المللی، تدابیر اتخاذ شده برای حفاظت از محیط زیست و مشترکات جهانی (اقیانوس‌ها، جو،

¹. Global Government or World Government

². International Regulatory Regimes

فضای بیرونی و قطب جنوب) برنامه‌هایی مانند حمایت از حقوق بشر، سلامت، توزیع کمک‌های بشردوستانه، ترویج توسعه پایدار و حمایت از حقوق بین‌الملل از جمله ابتکارات ستودنی برای استقرار نظام حکمرانی جهانی بوده است متعاقباً سازمان‌های منطقه‌ای مانند اتحادیه اروپا، سارک، آسه‌آن، گروه ۲۰، اتحادیه آفریقا، بریکس و نهادهای تخصصی مانند بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان بهداشت جهانی و سازمان تجارت جهانی و.. نیز نقشی محوری در ارتقای حکمرانی جهانی ایفا کرده‌اند (Das, 2020: 19).

سیستم حکمرانی جهانی در دهه ۱۹۹۰ و در نتیجه یک توالی وابسته به مسیر، توسعه یافت. جنگ جهانی دوم، شرایطی را فراهم کرد که منجر به نهادینه شدن لیبرالیسم و ایجاد سیستم امنیت جمعی تحت رهبری آمریکا شد. پس از آن، مکانیسم‌های خودتقویت‌کننده، این طراحی نهادی را تقویت کرد و با تزلزل اتحاد جماهیر شوروی و در نتیجه تصمیمات اتخاذشده در این شرایط، یک نظام حکمرانی جهانی پدید آمد که شامل حوزه‌های اقتدار سیاسی و تخصصی به هم متصل شده با رشد چشمگیر نهادی و سازمانی است که علیرغم عملکرد شایان توجه و تقدیر در مرور زمان این سیستم دچار کسری‌های جدی شده که پذیرش و پایداری آن را تضعیف و منجر به مقاومت و تقاضا برای تغییر آن گردیده است (zum, 2018: 107).

پیشنهاد‌های اجرایی برای رقم‌زدن این اصلاح و تغییر در چند قرن اخیر، گزینه‌هایی مانند ایجاد جمهوری جهان، مجمع قانون‌گذاری جهانی، دولت فدرال جهانی، اتحاد دموکراتیک کشورها، فدراسیون دموکراتیک جهان، کنفدراسیون دموکراتیک زمین، ائتلاف برای حکومت دموکراتیک جهانی، قانون اساسی جهان و.. بوده است.

۴- چالش‌های حکمرانی جهانی در نبود دولت جهانی حق‌بنیاد

چالش‌های عمده حکمرانی جهانی در دو بخش تحت عنوان ساختاری- نهادی (شکلی) و هنجاری (ماهوی) تقسیم‌بندی و به موازات شناسایی این چالش‌ها قابلیت‌های دولت جهانی حق‌بنیاد برای مدیریت و نهایتاً رفع این مسئله‌ها به شرح ذیل ارائه خواهد شد:

۴-۱- چالش‌های ساختاری و نهادی

۴-۱-۱- تکثر و تعدد در نهادهای حکمران

بازیگران ساختار کنونی حکمرانی جهانی شامل دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های غیردولتی، شرکت‌های چندملیتی، گروه‌های جامعه مدنی، شبکه‌ها، شرکت‌های خصوصی امنیتی و.. می‌باشند که به جهت شکلی متکثر و به جهت ماهوی دیدگاه‌ها، صلاحیت‌ها و مشارکت‌های این بازیگران در مدیریت جهان گاهی متعارض بوده است (Mcsparren et al., 2016: 2). اگرچه پیکربندی‌های چندکنش‌گری در حکمرانی جهانی دامنه‌ی راه‌حل‌ها را گسترش می‌دهد ولی همین

امر باعث افزایش پراکندگی، پیچیدگی، ایجاد و تقسیم‌بندی لایه‌ها و شکل‌گیری خوشه‌های مختلف قانون‌سازی و اجرای قوانین می‌شود.

چندمرکزی به جای استقرار سیستم یکپارچه، تمایز و تضادهای اجزای حکمرانی، تنوع بازیگران و دامنه‌ی نامعلوم و مبهم حکمرانی، پراکندگی قوانین بین‌المللی و خلأهای موجود قانونی، ناکارآمدی در رگولاتوری مطلوب، ضرورت استقرار یک نظام هماهنگ واحد بر کل جهان را به ذهن متبادر می‌کند.

۲-۱-۴ هماهنگی و همکاری

به دلیل ویژگی خاص حکمرانی جهانی تحت عنوان «حکومت بدون دولت» عوامل مختلفی در حکمرانی دخیل بوده و به دلیل ساختار افقی آن، وجود هماهنگی بین این عوامل یکی از ویژگی‌های کلیدی حکمرانی به‌شمار می‌رود که در حال حاضر این هماهنگی بین نهادهای حکمران، ناهمگن و نامطلوب دنبال می‌شود.

حکمرانی جهانی مجموعه‌ی پیچیده‌ای از نهادهای بین‌المللی را شامل شده است که عمدتاً به یک بخش یا موضوع معین محدود می‌شوند. این مرزها معمولاً مبهم بوده و هم‌پوشانی ناقصی هم در حوزه‌ی عملکرد و هم در رابطه با موضوع دارد. به عنوان مثال سازمان تجارت جهانی مسئول بازرگانی و سازمان بهداشت جهانی درحوزه سلامت مسئولیت دارد اما عدم وجود سازوکارهایی برای هماهنگی این دو موجب شده تا اولویت سلامت بعضاً فدای مسائل تجاری و منفعت‌طلبانه کشورها گردد. نبود یک قانون اساسی جهانی و در فاز اجرایی یک دولت واحد فراگیر، منجر به فعالیت ناهماهنگ و در نتیجه یک حکمرانی پراکنده (تکه‌تکه)، نامنظم، شکننده، انحصاری، محدود، چندسطحی، تصادفی و.. شده که در رابطه با مشکلات نیز هیچ مقامی در کرسی پاسخ‌گویی و مسئولیت قرار ندارد.

هم‌چنان که در سطح ملی قانون اساسی هماهنگ‌کننده‌ی نهادها، ساختارها و صلاحیت‌هاست، دولت جهانی با در اختیار داشتن یک قانون اساسی جهانی می‌تواند حوزه‌های حکمرانی را بر اساس ارزش‌های اساسی یک قانون فراگیر جهانی هماهنگ و به دلیل یک‌پارچگی در مقام اعمال حاکمیت مسئول و پاسخگو باشد. این دولت قادر به رفع پراکندگی در حوزه‌ی‌های حکمرانی بوده و یک نظم منسجم و فزاینده را ایجاد خواهد کرد.

۳-۱-۴- ناپایداری در توازن قوا (یک‌جانبه‌گرایی بازیگران، شکنندگی رویه‌ها و..)

طراحان منشور ملل متحد با اعلام ممنوعیت توسل به زور و کاربرد جنگ در تحقق خواست‌ها در روابط بین‌الملل در صدد ارتقای صلح و امنیت بین‌المللی بوده و بر همین اساس رژیم حقوق جنگ منشور ملل متحد را بر روابط دولت-کشورها حاکم کرده‌اند. علیرغم این تدابیر در سیستم حکمرانی جهانی؛ راهبرد کلان امنیتی برخی از بازیگران (مانند ایالات متحده آمریکا و روسیه) در دفاع از خود، جنگ با تروریسم، مبارزه علیه گسترش سلاح کشتار جمعی و.. یک‌جانبه‌گرایی،

توسل به زور پیش‌دستانه و پیش‌گیرانه و نهایتاً نادیده انگاشتن قواعد بین‌المللی بوده است (ذاکریان و اسکندری زنجانی، ۱۴۰۰: ۴۹۵)؛ (Zhakarian & Eskandari Zanjani, 2021: 495). این رویکرد بازیگران مبنی بر عبور از استانداردهای حکمرانی جهانی ضمن اینکه تهدیدی علیه اقتدار سیستم حکمرانی جهانی و چندجانبه‌گرایی تعبیه‌شده در آن است، موجب شکنندگی در رویه‌ها و ناپایداری در اعمال حکمرانی شایسته می‌شود.

از دیدگاه مورگنتا نیز توازن قوا در نظام حکمرانی جهانی همواره ناپایدار بوده به نحوی که در طول یک و نیم قرن گذشته و پس از هر سه جنگ فراگیر ما شاهد تلاش‌هایی برای ایجاد دولت جهانی بودیم چراکه که شکست کامل در حفظ صلح جهانی لزوماً نیاز به حکومت فراگیر را آشکار می‌ساخت. شکل‌گیری اتحاد مقدس بعد از جنگ‌های ناپلئونی، جامعه‌ی ملل در پی جنگ جهانی اول و سازمان ملل متحد بعد از جنگ جهانی دوم تلاش‌هایی در این راستا به‌شمار می‌رفتند که هر یک از این تلاش‌ها نیز نهایتاً به دلیل حاکمیت قدرت‌های بزرگ و به دلیل غلبه‌ی اصل موازنه‌ی قدرت بر ساختار جامعه بین‌الملل با شکست مواجه بوده است. لذا تنها راه‌حل اساسی برای حل کشمکش‌ها و مسئله جنگ، دستیابی به صلح و امنیت بین‌المللی در قالب یک تغییر اساسی در نظام فعلی جامعه‌ی بین‌المللی و در راستای شکل‌گیری دولت جهانی است. (محمدی الموتی، ۱۳۸۵: ۳۷)؛ (Mohammadi Almouti 2006: 37).

۴-۱-۴- نبود جامعیت در کارگزاری حکمرانی جهانی

حذف جهان توسعه نیافته از کارگزاری در حکمرانی جهانی که متأثر از دیدگاه غربی و به دلیل نگاه هستی‌شناسی خاص این دیدگاه‌ها و عمدتاً مبتنی بر عملکرد و قضاوت کنش‌گرایانه بوده منجر به شناسایی محدود کنش‌گران و رابطه‌ی کارگزارمحور در این حکمرانی جهانی گردیده است (بهرامی، ۱۳۹۴: ۳۸-۳۶)؛ (Bahrami, 2014: 36-38). آنچه ضروری است لزوم تغییر در این نگاه هستی‌شناختی و استقرار یک ساختار منسجم با یک قانون واحد با جلب مشارکت همه‌ی کنش‌گران به‌عنوان کارگزار است و دولت جهانی حق‌بنیاد ظرفیت ایجاد همگرایی جهان‌شمول و با بکارگیری یک نظریه جهانی (و نه غربی) بر پایه تنوع تمدنی و تکثرگرا برای رفع این محدودیت‌ها و ایجاد این جامعیت و تحقق شمولیت لازم برای همه بازیگران به عنوان جزیی از فرایندهای حل مشکلات جهانی با اجرای قاعده انتشار اقتدار و تحقق سیستم غیرقطبی را داراست.

۴-۱-۵- غایت آنارشیک همراه با بی‌نظمی فزاینده

به زعم برخی اندیشمندان مانند ونت و ژنگک غایت متصور برای نظام حکمرانی جهانی متکی بر سازه دولت - ملت؛ آنارشیک بوده (نظم سیاسی بدون وجود هیچ نهاد برتر و مبتنی بر تعادل نیروها) که این وضعیت به دلیل بی‌نظمی فزاینده و مبارزات درون‌سیستمی برای شناسایی و.. نمی‌تواند پایداری لازم را با خود به همراه داشته باشد و نهایتاً این ساختار ناگزیر از تحول و توسعه سیاسی بوده که ضرورتاً به یک وضعیت نهایی که همان دولت جهانی است، منجر می‌شود. ونت این «دولت

جهانی را یک دولت وبری (با انحصار به کارگیری زور و خشونت مشروع) با ساخت هگلی (شناسایی متقابل تمامی اتباع) تعریف کرده است» (ونت، سلیمی، ۱۴۰۰: ۱۴۱-۱۳۹)؛ (Salimi, 2021: 139-141). این وضعیت غایی در صورتی که متصف به هنجارهای حقوق بشری شود و بتواند ویژگی‌های دولت حق‌بنیاد جهانی را احراز کند قابلیت رفع نقص‌های حکمرانی جهانی و تبدیل شدن به یک ناظم برتر، مشروع و با قدرت تعادل‌بخشی به اجزای مختلف درون‌سازیهی را دارد.

۲-۴ - چالش‌های هنجاری در حکمرانی جهانی

۲-۴-۱ - سوگیری لیبرال

یکی دیگر از کاستی‌های حاکمیت جهانی سوگیری و کارکرد آن با قواعد هنجاری لیبرال و به تبع، منفعت‌طلبی ماهیتی مربوط به آن است. با توجه به اینکه تقریباً تمام نهادهای سنتی حکمرانی جهانی توسط کشورهای غربی راه‌اندازی و اداره شده‌اند، در نتیجه تحت تاثیر نظام لیبرال در حوزه‌های مختلف قرار گرفته و همین سوگیری لیبرال باعث شده تا لیبرالیسم به عنوان اصل سازماندهی بنیادین نظم بین‌المللی مطرح و در نتیجه موجب رشد هنجارها و استانداردهای لیبرالی شده (Green, 2005: 235-238) و در نتیجه تمام ایرادات متوجه این نظام را بر حوزه حکمرانی جهانی تسری داده و حتی در برخی موقعیت‌ها مداخله‌گرایی غیرضروری لیبرالی را رقم زده است. ناکارآمدی نهادهای بین‌المللی برای مداخله‌ی بازتوزیعی در بازارهای فراملی، سرشکن نشدن قله‌های ثروت در جهان به نفع گسل‌های فقر در کشورهای ضعیف، بحران مالی بین‌المللی، ضعف در تنظیم بازار و.. از جمله نقاط ضعف نظام لیبرالیسم حاکم بر حکمرانی جهانی است که یکی از راه‌های برون‌رفت از این معضلات، ایجاد دولت جهانی مبتنی بر درک تغییرات اندیشه‌ای، چندجانبه‌گرایی، حکمرانی جهان‌شمول پسالیبرالی، تحقق دولت - ملت جهانی و کسب استانداردهای اجتماعی و مالی و.. فراتر از نظام لیبرال و با توجه به مداخلات تنظیمی در اقتصاد جهانی و.. است (zum, 2014: 63-65).

۲-۴-۲ - مشروعیت و نقص دموکراتیک

طرفداران حکمرانی جهانی با صورت فعلی نیز اذعان دارند که نهادهای بین‌المللی دچار نقص‌های دموکراتیک و ضعف‌های مشروعیتی قابل توجهی هستند. عدم مشارکت جدی سهامداران جدید جامعه‌ی جهانی، دولت‌محوری بیش از حد در این نظام حکمرانی، غلبه‌ی معیارهای قدرت اقتصادی یا قدرت تاریخی و سیاسی یک کشور بر نظام یک دولت، یک رأی از جمله چالش‌های قابل طرح در این حوزه است که اصلاحات ساختاری و تغییرات سیستمی را ضروری می‌سازد. در اعمال حاکمیت نهادهای بین‌المللی در برخی حوزه‌ها، رضایت کشور عضو، شرط بوده که همین امر نیز اختلال جدی در ایفای نقش ذاتی این نهاد حکمران ایجاد خواهد کرد. همچنین برخی مداخلات نهاد حکمران با انگیزش‌های سیاسی بوده (سیاست‌زدگی) و این خود

مشکلات مشروعیتی را برای حکمرانی جهانی ایجاد می‌کند. از طرف دیگر سرپیچی دولت‌ها از فرمان و کنترل سازمان‌های بین‌المللی در مواقع لزوم موجب شده تا غالباً سیاست بر عقلانیت در حکمرانی جهانی تفوق پیدا کند (Pouliot, 2020).

حکمرانی جهانی معاصر همچنان بر مجموعه‌ای از شیوه‌های موروثی استوار است که اصول مشروعیت در آنها به نظر می‌رسد بیشتر به سنت نزدیک باشد تا مبانی توجیهی دموکراتیک؛ هرچند یک فرآیند دموکراتیک فراتر از دولت ملی از نظر ساختاری برای نهادهای بین‌المللی غیرضرور به نظر می‌رسد و همچنین پیش‌نیازهای اجتماعی برای تحقق این دموکراسی در سازمان‌های بین‌المللی وجود ذاتی ندارد علی‌ای حال به نظر می‌رسد با شکل‌گیری جامعه سیاسی جهانی، خودگردانی دموکراتیک در مفهوم مدرن قابل تحقق بوده و با استقرار دولت جهانی حق‌بنیاد می‌توان یک پیوند سیستماتیک و ناگسستگی بین جامعه‌ی جهانی و دموکراسی مورد نظر برای کسب حداکثر مشروعیت برای نهادهای حکمران جهانی ایجاد کرد. در این سیستم، همه‌ی جهان در حکمرانی جهانی نقش داشته و برای تصمیمات این نظام حکمرانی نیز مشروعیت مستقیم و عینی وجود خواهد داشت. در مدل دموکراسی جهان‌وطنی این اعتقاد وجود دارد که با اصلاحات نهادی در سازمان سیاسی جامعه‌ی بین‌المللی مانند تشکیل یک پارلمان جهانی و اصلاح اساسی در ساختار سازمان ملل متحد می‌توان برای اصلاح نظام تصمیم‌گیری در جهان اقدام کرده و به صلح دموکراتیک نائل گردید.

۳-۲-۴- تضادهای هنجاری در حوزه‌ی اجرای حقوق بشر

حکمرانی جهانی اگرچه در توسعه‌ی مفهومی و اجرایی هنجارهای جهان‌شمول حقوق بشر کارنامه نسبتاً قابل قبولی دارد ولی در عین حال در این حوزه دچار چالش‌های جدی بوده است. در درجه اول حقوق بشر علیرغم این که یک حق مقدس و جهانی بوده ولی فاقد ضمانت اجرایی مطلوب در نظام حکمرانی جهانی است. بازیگران حکومتی که برای حفظ صلح، امنیت، عدالت و حمایت از حقوق بشر کار می‌کنند، به دلیل رویه‌های پیچیده تأیید مداخله‌ی بشردوستانه یا مجوز عملیات حفظ صلح، ظرفیت محدودی برای بهبود وضعیت داشته یا دچار محدودیت‌های ساختاری شده‌اند به‌عنوان مثال، اختلافات سیاسی و منافع جناحی در شورای امنیت (به‌ویژه استفاده از حق وتو توسط برخی از اعضای دائمی آن) مانع از هرگونه واکنش بین‌المللی به جنایات علیه حقوق بشر شده و در نتیجه مصونیت از مجازات را برای ناقضین حقوق بشر تقویت و نهایتاً گسترش جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت را تشویق کرده است (Adams, 2015: 23). از سویی دیگر عدم رگولاتوری مناسب حکمرانی جهانی در حوزه حقوق بشر باعث یک‌جانبه‌گرایی برخی بازیگران در این رابطه شده به نحوی که آمریکا ضمن اتخاذ سیاست استثناگرایانه و با رویکرد خودبرتر بینی در اسناد و معاهدات حقوق بشری، تبعات زیانباری را بر ترویج ارزشهای حقوق بشر بین‌المللی برجای گذاشته و «به‌خاطر کامیابی‌های حقوق بشری داخلی خویش، مستثنای از دیگران و نیز از کنوانسیون‌های حقوق بشری مستثنی شده است» (ذاکریان، ۱۳۹۵: ۹)؛ (Zakeriyan, 2015: 9).

وظایف محدود سازمان‌های بین‌المللی و مشکلات در دستیابی به اهداف حقوق بشری، همکاری ضعیف بین بازیگران حاکمیتی و عملکرد حمایتی محدود آنها، هم‌پوشانی مبانی قانونی، مبهم بودن رویه‌ها و استانداردهای چندگانه، فقدان راه‌حل برای مشکلات خاص حقوق بشری از دیگر چالش‌های این حوزه است که برخی بحران‌های جهانی مانند اپیدمی کووید ۱۹ ماهیت شکننده‌ی نهادهای حکمرانی جهانی را آشکار کرده و محدودیت‌های قدرت و اقتدار نظام حکمران را در مواجهه با بحران‌های بزرگ به رخ کشیده و باعث اختلال جدی در فرآیندها و ساختارهای آن شده است که همین موضوع ضرورت تغییرات در مکانیسم‌های حکمرانی برای افزایش تاب‌آوری جوامع و اقتصادها را در برابر این شوک‌ها بیشتر به ذهن متبادر می‌کند (Levy, 2021: 565).

عدم پذیرش ذاتی حقوق نسل دوم بشر (حقوق اقتصادی) از سوی فرهنگ کاپیتالیستی و لیبرالی حاکم بر نهادهای حکمران به دلیل طرفداری از دولت‌های حداقلی، نفی ارزش‌های منطقه‌ای و سنت‌گرایی و.. (ذاکریان، ۱۳۸۷: ۴۱۸-۴۵۰)؛ (Zhakarian, 2008: 418-450) از دیگر زمینه‌های چالشی حکمرانی جهانی در حوزه‌ی حقوق بشر بوده که بهبود رویکردهای مربوطه را می‌توان در قالب یک دولت جهانی مقید به هنجارهای حقوق بشری و از طریق «جاذبه‌های ممتاز این دولت به جهت استفاده‌ی انحصاری و مشروع از زور (دولت وبری) شناسایی متقابل تمامی کنش‌گران (دولت‌هنگلی) هم‌بسته کردن بشریت و کنترل منازعات و هماهنگی بین کشوری (دولت کانتی) کارکرد حداقلی و ضروری (تضمین حق منفی) استقرار عدالت توزیعی و بازپخش منابع ثروت در جهان (تضمین حق مثبت) و.. دنبال کرد که می‌تواند موجب اجرای حداکثری حقوق بشر و در نتیجه تحقق یک جامعه‌ی جهانی با آینده‌ای مشترک برای بشریت و پاسخ‌گویی همه‌جانبه به مشکلات خاص جهانی، تحقق صلح پایدار همگانی و زیست جمعی بر اساس خیر عمومی مشترک را دنبال کرد» (شاهی و دیگران، ۱۴۰۱: ۲۰۸)؛ (Shahi and others, 2021: 208).

۴-۲-۴- انطباق (بازماندگی از تحولات جهانی)

نهادهای حکمران جهانی به دلیل بنیان سنتی مبتنی بر حاکمیت‌های ملی عمدتاً در برابر تغییر و اصلاحات یک مقاومت ذاتی داشته و بر همین اساس نتوانسته‌اند متناسب با شرایط روز فرایندهای اصلاحی را پذیرا باشند. به‌طور مثال ساختار سازمان ملل متحد از زمان تأسیس در سال ۱۹۴۵ علیرغم انتقادات جدی تا حد زیادی بدون تغییر باقی مانده و امروزه دیگر برای رسیدگی به چالش‌های مهم و پیچیده‌ی جهانی کارآمد نیست. این عدم انطباق با نیازها و مسائل جهانی عمدتاً به دلیل فقدان یک مکانیسم بین‌المللی قابل اعتماد و مشروع برای اجرای اصلاحات، نبود اعتماد بین اجزا، تمرکز ناکافی بر مخاطرات و مشکلات جهانی و عدم درک صحیح آن، نپذیرفتن ریسک تغییر، نبود همکاری مطلوب، فقدان استراتژی و آینده‌پژوهی جهانی و.. بوده و نهایتاً لزوم بازنگری کلیدی در ساختار حکمرانی جهانی را برای ایجاد یک سیستم جدید گوشزد می‌کند.

دولت جهانی حق‌بنیاد با تدوین استراتژی‌های اصلاحی متناسب با واقعیات و نیازهای روز، جلب

اعتماد از طریق توسعهی ارزش‌های مشترک، نوسازی متناوب ساختار، سازمان و قوانین، مسئولیت-پذیری و ایجاد ظرفیت پاسخ‌گویی، افزایش هماهنگی بین موضوعات حاکمیتی و کنش‌گران، ایجاد هم‌افزایی، ترویج انطباق و جلوگیری از تعارض قوانین، بکارگیری و حمایت از هویت‌های سنتی و جهان‌شمول و.. می‌تواند تطبیق لازم در ساختارهای حکمرانی خود را ایجاد کرده و چالش‌های جهانی را با در نظر گرفتن منافع همه‌ی جهانیان مدیریت نماید.

۵-۲-۴- کسری‌های موجود در حکمرانی

در قرن بیست و یکم، بشر با طیف وسیعی از خطرات و مشکلات شدید مواجه شده است که نیاز به اقدام جهانی مؤثر را مطالبه‌ی عام جهانیان کرده است. تا مدت‌های مدیدی سیستم حکمرانی جهانی صرفاً یک نوشدارو برای دفع شرارت‌های جهانی درک می‌شد و بیشتر جنبه‌ی سلبی آن مورد توجه بود ولی با گذر زمان جنبه‌ی ایجابی حکمرانی برای دفع تهدیدات جهانی بیش از پیش مورد توجه و تقاضا بوده است. ناتوانی در حل مشکل کنش جمعی کشورها و جلب اقدامات هماهنگ جهانی (حل مشکلات بین‌المللی از طریق استقرار نوعی رژیم مقتدر که بتواند راه‌حل‌های مشترکی را برای مشکلات مشترک سازماندهی کرده و هزینه‌ها را عادلانه تقسیم کند) (Campbell Craig 135: 2008)، ناکارآمدی در حوزه‌ی مدیریت تغییرات آب و هوایی، تروریسم، مهاجرت، فقر و بیماری‌های همه‌گیر، بی‌ثباتی مالی و تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی و.. نمونه‌هایی از کسری عملکردی و در نتیجه حکمرانی نامطلوب است. عمده این کسری‌ها به دلیل ناهماهنگی در ارکان حکمرانی جهانی، نبود وحدت رویه و خلاء سلسله‌مراتب در این نظام بوده که دولت واحد فراگیر می‌تواند با برقراری یک سیستم تصمیم‌گیری برای حکمرانی جهانی (قوه مقننه جهانی)، رهبری و هدایت سیاسی جهانی را به صورت متمرکز و منسجم اعمال و با جذب مشارکت جهانی برای مقابله با مخاطرات بشری و.. حکمرانی مطلوبی ایفا نماید.

ناتوانی در ایجاد ساختارهای مورد نیاز اعم از بستر قانونی و سازمان اجرایی نیز بخشی از همین کسری‌های موجود است. به عنوان مثال امروزه خلاء حکمرانی جهانی دیجیتال کاملاً مشهود بوده و شبکه‌ی جهانی وب و پلتفرم‌هایی مانند گوگل، اینستاگرام، فیسبوک، توئیتر، آمازون و.. ستون فقرات اقتصاد دیجیتال و ارتباطات بشری بوده و زمینه و مجرای مشارکت اجتماعی، به‌اشتراک‌گذاری دانش، مبادلات نیروی کار و بازار برای کالاها و خدمات و.. شده‌اند. این حوزه بااهمیت جهانی در حال حاضر دچار یک شکاف حاکمیتی شده و به‌شدت نیازمند تنظیم‌گری، ترکیب گسترده‌ای از سیاست‌ها، اصول، مقررات و استانداردها و توسعه‌ی آن و توأمان حفظ امنیت و حریم شخصی کاربران، نظارت و پیش‌گیری و مقابله با فعالیت‌های مخرب مانند حملات سایبری علیه زیرساخت کشورها، اشخاص و.. می‌باشد (Hrubec & Oliveira, 2019: 11-17) دولت جهانی

حق‌بنیاد می‌تواند با درک اهمیت اتصال و تعامل میان کشورها^۱ یک انقلاب دیجیتال را راهبری کرده و رویکردهای جهانی‌زدایی را غیر قابل تصور و بازگشت‌ناپذیر کند. همچنین با اتخاذ یک رویکرد تکنولوژیک، عدالت در فضای وب را مستقر و با ایجاد وحدت تکنولوژیکی جهان و برقراری دامنه‌ی ایجابی برای تعهدات اخلاقی در این حوزه و ایفای نقش نظارتی جامع و غیر سیاسی؛ یک مقابله‌ی جدی با جنایات جنگ سایبری را طرح‌ریزی نماید. بر اساس بایسته‌های نوین امروزی به نظر می‌رسد دولت دیجیتال جهانی یکی از اشکال مورد انتظار برای دولت جهانی در آینده باشد هم‌چنان‌که برخی از پلتفرم‌ها با اجرای پروژه‌هایی مانند متاورس در این راه قدم برداشته‌اند.

نتیجه‌گیری

حکمرانی جهانی به عنوان یک چارچوب نهادی برای تدوین سیاست، تصمیم‌گیری و اقدام در سطح بین‌المللی، منبع و منشأ بسیاری از ایده‌ها و اعمالی بوده که منجر به پیشرفت بشر شده که از جمله آن توسعه اجتماعی و اقتصادی، ترویج گفت‌وگو و اجرای حقوق بشر، صلح، پایداری زیست‌محیطی و... بوده است.

ما در این مقاله ضمن اذعان به امتیازات ستودنی این نظام حکمرانی؛ جنبه‌ی منفی همراهی با نظام فعلی حکمرانی جهانی را از بین رفتن هرگونه اشتیاق برای نظام حکمرانی قوی‌تر با حکمرانی شایسته‌تر دانسته و بر همین اساس چالش‌های اساسی این نظام حکمرانی را در دو بخش چالش‌های ساختاری و هنجاری مورد تبیین و تشریح قرار داده و راهکارهای مدیریت این چالش‌ها را در نظریه‌ی دولت جهانی حق‌بنیاد (اتحاد بشریت تحت یک قدرت سیاسی مشترک و مقید به هنجاری حقوق بشری) جستجو و ارائه کردیم.

در عصر جهانی‌شده؛ دولت - ملت‌ها با مشکلات بین‌المللی فراوانی مانند خطر تغییرات آب‌وهوایی، آسیب‌های زیست‌محیطی، تروریسم، جنگ، خشونت با انگیزه‌ی سیاسی، عدم مداخلات بشردوستانه در جنایات حقوق بشری، مهاجرت، فقر و بیماری‌های همه‌گیر گسترده، بی‌ثباتی مالی و تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی و... روبه‌رو بوده‌اند و نظام حکمرانی جهانی در غیاب یک دولت جهانی در تعیین کدهای رفتاری و تنظیم روابط بین دولت‌ها، اتخاذ رویکردهای چندجانبه و ایجاد کنش جمعی برای حل این‌گونه مشکلات موفقیت لازم را کسب نکرده است.

مسئله‌های شکلی موجود در حکمرانی جهانی در حوزه‌ی ساختار شامل تکرر و تعدد در نهادهای حکمران، هماهنگی و همکاری، ناپایداری در توازن قوا اعم از یک‌جانبه‌گرایی بازیگران، شکنندگی رویه‌ها و محدودیت عملکردی، نبود جامعیت در کارگزاری حکمرانی جهانی، غایت

¹. Connectivity

². Deglobalization

آنارشیک و بی‌نظمی فزاینده و.. بوده که دولت جهانی حق‌بنیاد به دلیل خصیصه‌های منحصر به فرد خود می‌تواند انسجام‌بخشی، مدیریت هماهنگ و ایجاد سیستم همکاری سلسله‌مراتبی در بین بازیگران این حوزه را اعمال کرده و با ایجاد جامعیت، وحدت ساختار و رویه‌ها، برقراری توازن در بین اجزاء و لایه‌ها و.. مدیریت چالش‌های حکمرانی فعلی جهانی را به دست گرفته و نهایتاً مسائل مرتبط با این حوزه را حل و فصل نماید.

در حوزه‌ی چالش‌های ماهوی و هنجاری حکمرانی جهانی می‌توان به سوگیری لیبرال، تضادهای هنجاری در حوزه‌ی اجرای حقوق بشر، مشروعیت و نقص دموکراتیک، کسری‌ها و خلأهای موجود در حکمرانی، انطباق و بازماندگی از تحولات جهانی اشاره کرد که این چالش‌ها می‌تواند تلاش فراگیر برای ایجاد جهانی برای همه و دنیای صلح‌آمیز و عادلانه‌تر را تضعیف نماید لذا دولت جهانی حق‌بنیاد با قابلیت درک لزوم تغییرات هنجاری، سیاستی یا گفتمانی برای غلبه بر چالش‌های ناشی از نارسایی‌های متعدد حکمرانی جهانی، موانع مشارکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری در سطح جهانی را رفع و با استانداردهای عملکردها و رفع نقائص موجود، نظام حکمرانی جهانی پاسخگو، منعطف، موثر و حامی صلح پایدار را ایجاد کرده و ناکامی‌های مکرر در اصلاحات درون سیستمی نظام حکمرانی را پایان می‌بخشد.

هدف این پژوهش شناسایی چالش‌های عمده در نظام حکمرانی جهانی تحت سازه دولت-کشوری بوده که با شناسایی این چالش‌ها نهایتاً در دو حوزه‌ی ساختاری و نهادی (مسائل شکلی) و هنجاری (ماهوی) بخش‌بندی و در گام بعد لزوم تغییر و اصلاح سیستم حکمرانی جهانی با کارگزاری دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌های بزرگ، بازیگران جامعه‌ی مدنی و.. مورد بحث قرار گرفته و حکمرانی نامطلوب جهانی در نبود یک قدرت سیاسی مشترک و مقید به هنجارهای حقوق بشری با توان متحد کردن مردم و کارگزاران به اثبات رسید.

اگرچه اصلاح سیستم فعلی حکمرانی جهانی بدون در نظر داشتن نسخه جایگزین دولت فراگیر نیز قابل بحث و حتی چالش‌های بیشتری برای حکمرانی جهانی قابل شناسایی بود ولی نویسندگان با احصای بحث به چالش‌های عمده بسنده کرده و راهکار نهایی برای مدیریت این چالش‌ها را در نظریه‌ی دولت جهانی حق‌بنیاد جستجو و فرضیه‌ی خود مبنی بر ضرورت استقرار یک دولت جهانی حق‌بنیاد به‌عنوان یک اقتدار سیاسی جهانی مشروع برای اصلاح سیستم حکمرانی جهانی را تبیین کردند. تقویت یک مشارکت جهانی و فراگیر، اتخاذ سیستم حکومت با دولت (اقتدار مستقیم)، تدوین رویکرد و راهکارهایی برای جهانی کردن سیاست، اتخاذ رویه‌ی واحد و همسو بین کنش‌گران حکمرانی، ایجاد قدرت قانون‌گذاری منسجم برای جهانی واحد، لزوم مرززدایی و حذف فاصله‌های بیهوده‌ی جغرافیایی بین بشریت و.. برای مدیریت خطرات و مشترکات جهانی ضروری و دولت جهانی حق‌بنیاد یک فرصت و امکان واقعی برای رسیدگی و دفع خطرات فاجعه‌بار درون سیستمی نظام حکمرانی جهانی و روش‌های اعمال حاکمیت آن است.

منابع فارسی

۱. بهرامی، س. (۱۳۹۴). بررسی انتقادی حکمرانی جهانی: حکمرانی غربی یا سیستم غیرقطبی جهانی. فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۶(۴۱)، ۳۶-۶۹.
۲. حیدری فرد، س. (۱۳۹۶). تحول مفهوم حکمرانی جهانی در روابط بین‌الملل. فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، ۹(۳۲)، ۱۷۶-۱۴۷.
۳. ذاکریان، م.، و اسکندری‌زنجانی، م. (۱۴۰۰). باز تفسیر ایالات متحده از کاربرد زور در چارچوب حقوق بین‌الملل هژمونیک. فصلنامه سیاست، ۵۱(۲)، ۴۸۷-۵۱۲.
doi:10.22059/JPQ.2021.83356
۴. ذاکریان، م. (۱۳۹۵). تامل و نقدی بر مطالعات حقوق بشر. فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۱۲(۴)، ۱-۱۱.
۵. محمدی‌الموتی، م. (۱۳۸۵). مفهوم جامعه جهانی و تحلیل فرایند جهانی‌شدن. تهران: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
۶. منشی‌پوری، م. و دیگران؛ ترجمه و تدوین ذاکریان، م. (۱۳۸۷). تکوین حقوق بشر در عصر جهانی‌شدن. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۷. ونت، ا.، و سلیمی، ح. (۱۴۰۰). چرا دولت جهانی اجتناب‌ناپذیر است؟، تهران: انتشارات علمی.
۸. شاهی، م. (۱۴۰۱). قابلیت‌های دولت جهانی حق‌بنیاد در تضمین حداکثری حقوق بشر. فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۱۹(۷۴) ۲۱۴-۱۹۵.
doi:10.22034/ISJ.2022.350225.1864

English References

1. Acharya, A., Plesch, D. (2020). The United Nations Managing and Reshaping a Changing World Order. *Global Governance: A Review of Multilateralism and International Organizations*, (26) 221-235. <https://doi.org/10.1163/19426720-02602001>
2. Adams, S. (2015). Failure to Protect: Syria and the UN Security Council. *Global Center for the Responsibility to Protect*, 1-32. https://reliefweb.int/sites/reliefweb.int/files/resources/syriapaper_final.pdf
3. Claros, A., Dahl, A., Groff, M. (2020). *Global Governance and the Emergence of Global Institutions for the 21st Century*. Published online by Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/9781108569293>
4. Coen, D., Pegram, T. (2015). Wanted: A third generation of global governance research. *Governance: An International Journal of Policy, Administration, and Institutions*, 28 (4) 417-420. <https://doi.org/10.1111/gove.12164>
5. Craig, C. (2008). The Resurgent Idea of World Government. *June Ethics & International*

- Affairs. 22 (2). 133 - 142. <https://doi.org/10.1111/j.1747-7093.2008.00139.x>
6. Das, R. (2020). defining global governance and exploring its origin in historical context. Harvest (Online), Bi-Annual Global Governance. 5 (1), ISSN 2456-6551
 7. Green, D. (2005). Liberal Imperialism as Global Governance Prespective, in Alic ba and Matthew T. Hoffman (eds), Contending Perspective on Global Governance Yk: Routledge.
 8. Hrubec, M, Oliveira, N (eds.). (2019). From Social to Cyber Justice Critical Views on Justice, Law, and Ethics. Published by PUCRS. First e-book edition Prague 437
 9. Jang.j. McSparren.j.Rashchupkina.Y.(2016).Global governance: present and future Palgrave Communications.19 (2), 15045 DOI: 10.1057/ palcomms.2015.45
 10. Kohli,M. (2022). Global Governance: Conceptual Analysis and Operational Challenges. International Journal for Research Trends and Innovation.5 (7).<http://www.ijrti.org/papers/IJRTI2205058.pdf>
 11. Levy,D. (2021). COVID-19 and Global Governance.Journal of Management Studies 58(2). 107–136 <https://doi.org/10.1111/joms.12654>
 12. pobst,A,(2019).Is Global Governance Unravelling? The Revolt Against Liberal Globalisation.Global Governance in Transformation pp 15–34 https://doi.org/10.1007/978-3-030-23092-0_2
 13. Pouliot, v. (2021). Global governance in the age of epistemic authority. Published online by Cambridge University. International Theory (13) 144 - 156 DOI: <https://doi.org/10.1017/S1752971920000433>
 14. Purvis.G(2022).Global Governance or Global Government? An Examination of Anarchy vs. Hierarchy, Global Civil Society and International Governmental Organizations. University Honors Theses. Paper 1217. <https://doi.org/10.15760/honors.1248>
 15. Stimson Center.(2015). Key Challenges to Global Governance. Commission on Global Security, Justice & Governance, The Hague Institute for Global Justice and The Stimson Center. Stable URL: <http://www.jstor.com/stable/resrep10905.9>
 16. Tallberg, J,Zürn, M. (2019). The legitimacy and legitimation of international organizations: introduction and framework.The Review of International Organizations (14), 581–606. <https://doi.org/10.1007/s11558-018-9330-7>
 17. Tinnevelt, R.(2012). Federal World Government: The Road to Peace and

- Justice?. Cooperation and Conflict, 47(2): 220–238.
<https://doi.org/10.1177/0010836712443173>
18. Weiss, T, Ramesh, T.(2010). Forthcoming. The UN and Global Governance: An Unfinished Journey. United Nations Intellectual History Project. Bloomington: Indiana University Press.
19. Zürn, M. (2010). Global governance as multi-level governance. In Enderlein, H, Wälti, S, Zürn, M (eds) Handbook on Multi-level Governance. Cheltenham: Edward Elgar.80–99
20. Zürn, M. (2014). Governing the World without World Government. States, Societies and Institutions Interact in Many Ways.
<https://www.researchgate.net/publication/280528530>
21. Zürn, M. (2018). A Theory of Global Governance: Authority, Legitimacy, and Contestation, <https://doi.org/10.1093/oso/9780198819974.001.0001>
22. Zürn, M. (2018). The Rise of the Global Governance System: A Historical-Institutionalist Account. <https://doi.org/10.1093/oso/9780198819974.003.0006>

Translated References to English

1. Acharya, A, Plesch, D.(2020). The United Nations Managing and Reshaping a Changing World Order. Global Governance: A Review of Multilateralism and International Organizations.(26) 221–235. <https://doi.org/10.1163/19426720-02602001>
2. Adams, S. (2015). Failure to Protect: Syria and the UN Security Council. Global Center for the Responsibility to Protect, 1-32.
https://reliefweb.int/sites/reliefweb.int/files/resources/syriapaper_final.pdf
3. Bahrami, S. (2014). Critical review of global governance: Western governance or non-polar global system. Quarterly Journal of Political and International Approaches, 6 (41), 36-69. **(In Persian)**
4. Claros, A., Dahl, A., Groff, M. (2020). Global Governance and the Emergence of Global Institutions for the 21st Century. Published online by Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/9781108569293>
5. Coen, D., Pegram, T.(2015). Wanted: A third generation of global governance research. Governance: An International Journal of Policy, Administration, and Institutions, 28 (4) 417–420. <https://doi.org/10.1111/gove.12164>

6. Craig, C. (2008). The Resurgent Idea of World Government. *June Ethics & International Affairs*. 22 (2),133 - 142. <https://doi.org/10.1111/j.1747-7093.2008.00139.x>
7. Das, R. (2020). defining global governance and exploring its origin in historical context. *Harvest (Online), Bi-Annual Global Governance*. 5 (1), ISSN 2456-6551
8. Green, D. (2005). "Liberal Imperialism as Global Governance Prespective," in Alic ba and Matthew T. Hoffman (eds), *Contending Perspective on Global Governance Yk: Routledge*
9. Heydari Fard, S. (2016). Evolution of the concept of global governance in international relations. *International Political Research Quarterly Islamic Azad University, Shahreza branch* (32), 147-176 **(In Persian)**
10. Hrubec, M, Oliveira, N (eds.). (2019). *From Social to Cyber Justice Critical Views on Justice, Law, and Ethics*. Published by PUCRS. First e-book edition Prague 437
11. Jang,j. McSparren,j.Rashchupkina.Y.(2016).Global governance: present and future *Palgrave Communications*.19 (2), 15045 DOI: 10.1057/ palcomms.2015.45
12. Kohli,M. (2022). *Global Governance: Conceptual Analysis and Operational Challenges*. *International Journal for Research Trends and Innovation*.5 (7). <http://www.ijrti.org/papers/IJRTI2205058.pdf>
13. Levy,D. (2021). COVID-19 and Global Governance.*Journal of Management Studies* 58(2). 107–136 <https://doi.org/10.1111/joms.12654>
14. Menshipuri, M. and others, Translated and edited by Zakarian, M. (2008). *Development of human rights in the age of globalization*. Cultural and Social Studies Research Institute, first edition 1-580. **(In Persian)**
15. Mohammadi-al-Mouti, M. (2006). *The concept of global society and the analysis of globalization process*. Higher Institute of Management and Planning Education and Research, first edition **(In Persian)**
16. pobst,A,(2019).Is Global Governance Unravelling? The Revolt Against Liberal Globalisation.*Global Governance in Transformation* pp 15–34 https://doi.org/10.1007/978-3-030-23092-0_2
17. Pouliot, v. (2021). *Global governance in the age of epistemic authority*. Published online by Cambridge University. *International Theory* (13) 144 - 156 DOI: <https://doi.org/10.1017/S1752971920000433>
18. Purvis,G(2022).Global Governance or Global Government? An Examination of

- Anarchy vs. Hierarchy, Global Civil Society and International Governmental Organizations. University Honors Theses. Paper 1217. <https://doi.org/10.15760/honors.1248>
19. Shahi, M. (2021). The capabilities of the global government of fundamental rights in guaranteeing maximum human rights. *International Studies Quarterly*, 19(74)195-214. <https://doi.org/10.22034/ISJ.2022.350225.1864> **(In Persian)**
 20. Stimson Center. (2015). Key Challenges to Global Governance. Commission on Global Security, Justice & Governance, The Hague Institute for Global Justice and The Stimson Center. Stable URL: <http://www.jstor.com/stable/resrep10905.9>
 21. Tallberg, J, Zürn, M. (2019). The legitimacy and legitimation of international organizations: introduction and framework. *The Review of International Organizations* (14), 581–606. <https://doi.org/10.1007/s11558-018-9330-7>
 22. Tinnevelt, R. (2012). Federal World Government: The Road to Peace and Justice?. *Cooperation and Conflict*, 47(2).
 23. Weiss, T, Ramesh, T.(2010). Forthcoming. The UN and Global Governance: An Unfinished Journey. United Nations Intellectual History Project. Bloomington: Indiana University Press. 220–238. <https://doi.org/10.1177/0010836712443173>
 24. Wendt, A., Salimi, H. (2021). Why world government is inevitable. Scientific publication, first edition **(In Persian)**
 25. Zakarian, M., Eskandari Zanjani, M. (2021). United States reinterpretation of the use of force in the framework of international law hegemonic *Political Quarterly Journal of Faculty of Law and Political Sciences*, 51 (2) 512-487. <https://doi.org/10.22059/JPQ.2021.83356> **(In Persian)**
 26. Zakeriyan, M. (2015). Reflection and a Critique on Human Rights Studies. *International Studies Journal (ISJ)*, 12(4), 1-11. **(In Persian)**
 27. Zürn, M. (2010). Global governance as multi-level governance. In Enderlein, H, Wälti, S, Zürn, M (eds) *Handbook on Multi-level Governance*. Cheltenham: Edward Elgar. 80–99
 28. Zürn, M. (2014). Governing the World without World Government. *States, Societies and Institutions Interact in Many Ways*. <https://www.researchgate.net/publication/280528530>
 29. Zürn, M. (2018). A Theory of Global Governance: Authority, Legitimacy, and

Contestation, <https://doi.org/10.1093/oso/9780198819974.001.0001>

30. Zürn, M. (2018). The Rise of the Global Governance System: A Historical-Institutionalist Account. <https://doi.org/10.1093/oso/9780198819974.003.0006>